

مطالعه اعتماد به نهادها و سازمان‌های اداری و هنجاری در بین دو نسل

۱۶-۲۴ و ۴۵-۵۴ ساله‌ها در شهر تبریز^۱

* دکتر ربابه پورجلی

کد مقاله: ۸۷۱۰۱۶۰۱

چکیده

اعتماد به نهادها که در بین دو نسل در شهر تبریز اجرا شد به دنبال این هدف بود که تفاوت بین نسل‌ها را از نظر اعتماد به نهادها مشخص کند در ضمن، در این مطالعه به تفاوت‌های درون نسلی هم پرداخته شد. روش مطالعه پیمایشی و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود برای جمع‌آوری اطلاعات حجم نمونه‌ای به تعداد ۳۹۴ پاسخگو انتخاب شدند که ۲۰۰ نفر آنها در گروه سنی ۱۶-۲۴ ساله و ۱۹۴ نفر در گروه سنی ۴۵-۵۴ ساله بودند.

پس از جمع‌آوری داده‌ها یافته‌های زیر به دست آمد: بین دو نسل و درون هر نسل تفاوت در میانگین اعتماد به نهادها معنادار است. تفاوتی در بین زنان و مردان گروه نسلی ۱۶-۲۴ ساله مشاهده نشد ولی اعتماد زنان و مردان گروه نسلی ۴۵-۵۴ ساله معنادار بود و زنان بیشتر از مردان به نهادها اعتماد می‌کنند. همچنین تحصیلات پاسخگویان نسل ۱۶-۲۴ ساله موجب تفاوت در میانگین اعتماد آنها نبود ولی در بین نسل ۴۵-۵۴ ساله تفاوتها معنادار است و نشان می‌دهد که زنان بی‌سواد و دارای تحصیلات ابتدایی به نهادها بیشتر اعتماد می‌کنند. ساعات استفاده از ماهواره و اینترنت تأثیر منفی بر میزان اعتماد به نهادها در نسل ۱۶-۲۴ ساله‌ها دارد و استفاده بیشتر از ماهواره هم بر روی نسل ۴۵-۵۴ ساله تأثیر معناداری دارد.

واژگان کلیدی: اعتماد به نهادها، تفاوت بین نسلی، تفاوت درون نسلی.

۱- مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی مصوب اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی شماره ۱۲۶۷۶ تحت عنوان «بررسی نگرش مردم نسبت به شکاف نسل‌ها و عوامل مرتبط با آن در شهر تبریز» در سال ۱۳۸۵ تدوین و ارائه گردیده است.
* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.

مقدمه و بیان مسأله

اعتماد اجتماعی^۱ یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی^۲ است که می‌تواند زمینه‌ی همکاری تمام اقشار جامعه را برای رسیدن به امر توسعه همه جانبه فراهم سازد. اعتماد اجتماعی از شبکه‌های موجود در امور اجتماعی، مدنی و هنجارهای روابط متقابل ناشی می‌شود و نقش بنیادی در کارایی و اثربخشی گروه‌های اجتماعی ایفا می‌کند. منظور از اعتماد، اطمینان به اعتمادپذیری یک شخص و یا نظام است (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۴۲). اعتماد قابلیت اتکای افراد به نهادها و اشخاص و یا گروه‌هاست به عبارتی چقدر فرد در هنگام مواجهه با یک واقعیتی می‌تواند بر افراد و گروه‌ها و نهادها تکیه کند و چقدر به آنها اطمینان دارد که آنها فرد را در حلقه ارتباطی خود تحت حمایت قرار دهند و انتظارات متقابل او را بر آورده سازند. اندیشمندان در مسأله یابی خود گونه شناسی‌هایی از اعتماد ارائه کرده‌اند؛ زتومکا^۳ اعتماد را به چند مقوله عمده تقسیم می‌کند که عبارتند از: اعتماد بین شخصی و یا اعتماد اجتماعی، اعتماد به گروه اجتماعی و انتزاعی‌ترین نوع اعتماد، اعتماد نسبت به نهادها و سازمان‌ها است مثل: ارتش، کلیسا، دادگستری، پلیس، بانک‌ها، دولت، مجلس (زتومکا، ۱۹۹۹، ص ۲۵). گیدنز^۴ نیز اعتماد به دو دسته اعتماد به اشخاص و اعتماد به نظام‌ها تقسیم‌بندی می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۱۰۲) با استفاده از دسته‌بندی‌های موجود به یک تقسیم‌بندی از سطوح اعتماد پرداخته می‌شود، بر همین اساس اعتماد در سه سطح جامعه شناختی قابل بررسی است: سطح خرد؛ اعتماد به اشخاص، در سطح میانی اعتماد به گروه‌ها و در سطح کلان؛ اعتماد به نهادها و نظام‌هاست.

اعتماد کارکردهایی کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد در کوتاه‌مدت، وجود اعتماد باعث وفاق اجتماعی^۵، پیدایش آرامش، امنیت و سلامتی روان خواهد گردید. در جامعه‌ای که اعتماد وجود داشته باشد افراد کمتر دغدغه‌هایی نظیر به مخاطره افتادن نیازها و خواسته‌های خود را دارند (شولتز، ۱۳۷۷، ص ۴۹۹) و در بلندمدت، اعتماد اجتماعی موجب ثبات سیاسی جامعه، پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای مردم در جامعه می‌شود و مقاومت و مصونیت فرهنگ جامعه را در مقابل فرهنگ بیگانه بیشتر می‌کند (جلیبی، ۱۳۷۳، صص ۲۴-۲۳). همچنین کارکرد بلندمدت اعتماد در جامعه، همکاری افراد در تحقق امر توسعه است. وجود اعتماد در جامعه برای دستیابی به توسعه به حدی مهم است که فوکویاما^۶ معتقد است که کلیه‌ی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در یک کشور، قبل از آنکه براساس موازین قراردادی و

حقوقی استوار باشد، بر پایه اعتماد متکی است. به نظر وی وجود اعتماد در میان گروههای تشکیل دهنده ی یک جامعه به میزان بسیار زیادی می تواند هزینه های برنامه ریزیهای اجتماعی، اقتصادی و... دولت را کاهش و کارایی و موفقیت آن را افزایش دهد. (کاسمی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۳).

با توجه به این که اعتماد یکی از پیش شرطهای توسعه است ولی شواهد تاریخی نشان می دهد که در ایران به خاطر وجود حکومت های توتالیتر اعتماد به نهادها ضعیف بوده، چون نهادها مردمی نبوده و از دل نیازهای آن بر نخواستہ بود بنابراین اولین درخواست مردم در انقلاب مشروطه از حکومت، ایجاد عدالتخانه بود که این خود در رابطه با احساس نیاز مردم ایران به مقوله عدالت و امنیت قابل تفسیر است (راوندی، ۱۳۶۸، صص ۲۸۷-۲۸۶). و یافته های تحقیقات پیشین نشان می دهد که بین اعتماد و مشارکت روستائیان رابطه مستقیم وجود دارد (محمودی، ۱۳۷۰). میزان اعتماد مردم با میزان کارآیی کارکردهای نظام نسبت مستقیم دارد (ملکی زاده، ۱۳۷۴). همچنین تحقیقات نشان داده است که در تبیین اعتماد اجتماعی، تعاملات همکاری جویانه، عملکرد دولت، احزاب سیاسی، فقر و تورم تأثیر داشته است (عباس زاده، ۱۳۸۳). و در مطالعه متغیرهای جمعیتی تحقیقات نشان داده است که میزان اعتماد اجتماعی در بین افراد متأهل در حد متوسط به بالا می باشد و این میزان سیر نزولی داشته است. همچنین این تحقیق نشان داده که میزان اعتماد اجتماعی در بین مردان بیش از زنان بوده است و تحصیلات افراد با اعتماد اجتماعی رابطه منفی دارد (امیر کافعی، ۱۳۷۵).

با توجه به شواهد نظری و تجربی مربوط به اعتماد و کارکردهایی که اعتماد می تواند در روند توسعه جامعه داشته باشد این سؤالها مطرح می شود که میزان اعتماد نسل ها در شهر تبریز چگونه است؟ آیا در زمینه ی اعتماد به نهادها تفاوت های بین نسلی و درون نسلی بین آنها وجود دارد؟ میزان اعتماد بر اساس موقعیت های ساختاری پاسخگویان (جنس، تحصیلات) چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسشها، شهر تبریز به عنوان شهری که فرایندهای نوسازی در صد سال اخیر در آن بیشتر چشمگیر بوده است، برای مطالعه انتخاب شد.

ضرورت انجام پژوهش

گسترش شهرنشینی، ایجاد عرصه‌های جدید اشتغال، فعالیت اجتماعی و روابط اقتصادی - اجتماعی و... و در نتیجه افزایش فزاینده تعامل با افراد خارج از محورهای خویشاوندی و نظایر آن، نیازمند مکانیزم‌های جدید جایگزین اعتمادهای خانواده و محلی است و از طرف دیگر تغییر و جابجایی‌هایی در پایه‌های اعتماد در طول تاریخ ایران (از قبل اسلام به دوره‌ی اسلامی و صفویه تا انقلاب اسلامی و دوره‌ی انقلاب اسلامی) از فره ایزدی به سنتی و مذهبی و سنتی - مذهبی و عقلانی وجود داشته است (بشیریه، ۱۳۷۸، صص ۱۰۸-۱۰۲). بنابراین تحولات به وجود آمده در ایران، مطالعه اعتماد اجتماعی را، در تمام سطوح و ابعاد آن جدی‌تر ساخته است.

اهداف تحقیق

هدف کلی: مطالعه شکاف نسلی در حوزه‌ی اعتماد به نهادها

اهداف ویژه:

- تعیین تفاوت‌های بین دونسل ۲۴-۱۶ ساله و ۵۴-۴۵ ساله از لحاظ میزان اعتماد به نهادها
- تعیین تفاوت‌های درون دونسل ۲۴-۱۶ ساله و ۵۴-۴۵ ساله از لحاظ میزان اعتماد به نهادها
- مشخص کردن نقش تحصیلات در تفاوت میزان اعتماد نسل‌ها
- مشخص کردن تفاوت میانگین زن و مرد (در درون هر نسل) از لحاظ میزان اعتماد نسل‌ها
- تعیین تأثیر میزان استفاده از رسانه‌ها بر میزان اعتماد نسل‌ها

پیشینه‌ی تحقیق

مطالعات اینگلهارت نشان داده که برزیل، پرو، فیلیپین، ترکیه و ونزوئلا در پایین‌ترین سطح بین‌المللی اعتماد و در مقابل نروژ، سوئد، هلند، کانادا، فنلاند، ایرلند و ایسلند در بالاترین سطح اعتماد قرار دارند. به سخن دیگر ملت‌های ثروتمندتر و یا دموکراتیک‌تر بیشتر از ملت‌های فقیرتر یا غیردموکراتیک‌تر اعتماد می‌کنند (اینگلهارت، ۱۳۸۲، صص ۱۹۳).

امیرکافی در مطالعه‌ی خود در زمینه‌ی «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» در سال ۷۵ که با روش پیمایشی در بین افراد متأهل و بالای ۲۰ سال شهر تهران انجام داد به این نتیجه

رسید که میزان اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان در حد متوسط به بالا است و میانگین اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان سیر نزولی داشته است. همچنین میزان اعتماد اجتماعی در بین مردان بیش از زنان بوده است. تحصیلات افراد با اعتماد اجتماعی رابطه منفی دارد (امیرکافی، ۱۳۷۵).

عباسزاده در تحقیقی با عنوان «عوامل موثر بر شکل گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان» در سال ۱۳۸۳ در تبریز به این نتیجه رسید که میزان اعتماد اجتماعی در بین نمونه دانشجویان دانشگاه تبریز متوسط بوده است و عوامل اجتماعی و فرهنگی بیشترین تأثیر بر اعتماد اجتماعی دارد (عباسزاده، ۱۳۸۳).

غلامرضا کاشی در مطالعه‌ی «شکاف نسلی در ایران» به این نتیجه رسید که نسل انقلاب و جنگ (متولدین ۴۱-۳۱) بیش از سایرین به روابط اجتماعی بیرون از خانواده اعتماد می کنند در حالیکه نسل دارای خاطره جنگ (متولدین ۶۴-۶۰) بیشتر با دوستانشان ارتباط دارند ولی کمتر به آنها اعتماد دارند (کاشی، ۱۳۸۲).

تحقیقی با عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان» توسط اوجاقلو انجام گرفت و به این نتیجه دست یافت: بین منطقه سکونت، تحصیلات و میزان مطالعه با میزان اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد (اوجاقلو، ۱۳۸۴، صص ۹۵-۱۲۵).

کوثری در مطالعه‌ی خود با عنوان «بررسی تأثیر انسجام اجتماعی در میزان مشارکت روستاییان استان خراسان در فعالیت‌های عمرانی» به موضوع اعتماد و مشارکت روستاییان در فعالیت‌های عمرانی پرداخته است. برای سنجش اعتماد اجتماعی روستاییان از روش «ارائه عکس» و «خواندن داستان» استفاده شد و نتایج زیر به دست آمد: اعتماد با سن پاسخگویان رابطه معناداری دارد، بین اعتماد و رضایت از اداره‌ی کشاورزی رابطه‌ی معنادار مثبتی مشاهده شده است، نهایتاً این که اعتماد اجتماعی تأثیر معنادار مثبت بر مشارکت عمرانی روستاییان داشته است (کوثری، ۱۳۷۵).

مبانی نظری تحقیق

جامعه‌شناسان کلاسیک در گونه‌شناسی‌های خود از جامعه موضوع اعتماد را مورد بحث قرار داده‌اند به طوری که دورکیم در تقسیم‌بندی جامعه به مکانیکی و ارگانیکی معتقد

است که مبنای اعتماد در جامعه مانیکی مبتنی بر همانندی و در جامعه دیگر مبتنی بر تمایز و ناهمانندی افراد و ناشی از فرایند تقسیم کار است (دورکیم، ۱۳۸۱). به نظر فردینان تونیس^۷ اعتماد در گماینشافت متکی بر تعلق و در گزلشافت بر پایه مبادله استوار است (زاتلین، ۱۳۷۳). در اندیشه‌ی زیمل حاکمیت پول و عقلانی و حسابگرانه شدن جامعه‌ی جدید موجب شکل‌گیری فرهنگ عینی شده است و زمینه‌های تغییر منبع اعتماد را در پی دارد (تنهایی، ۱۳۷۴). در نظریه اسپنسر زمینه‌ی اعتماد در جامعه صنعتی بر خلاف جامعه‌ی جنگجو نه بر اساس همکاری‌های اجباری برای شرکت در اجتماع، بلکه مبتنی بر همکاری داوطلبانه است که از طریق قراردادها حاصل می‌شود (دیلین، ۱۳۸۷). برای و بر یکی از پیش شرط‌های موفقیت سرمایه‌داری جدید انتقال از نظم و اعتماد مبتنی بر روابط اجتماع به اعتماد انجمنی است (ویر، ۱۳۷۱). این جامعه‌شناسان بیشتر به ساختارهای ایجاد کننده اعتماد توجه می‌کنند و به کنش متقابل اعتماد کننده و اعتماد شونده توجهی نشان نمی‌دهند.

در جامعه‌شناسی معاصر برخی از اندیشمندان به نقش توأم کنش و ساختار توجه کرده و در موضوع اعتماد آن را معیار تحلیل خود قرار داده‌اند. گیدنز با اشاره به منابع و قواعد اعتماد (شبکه خویشاوندی، اجتماع محلی، کیهان‌شناسی مذهبی و سنت) در جوامع ما قبل مدرن، به جایگزینی نظام‌های انتزاعی در جوامع مدرن تاکید می‌کند و در این میان به عملکردهای کنش‌گران اشاره می‌کند که در زمان و مکان زمینه اعتماد را شکل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۷).

عده‌ای از جامعه‌شناسان از منظر سود و زیان به اعتماد توجه می‌کنند. نظریه‌ی مبادله پیتیر بلاو به نقش پاداش‌هایی اشاره دارد که فرد در فرایند مبادله ارزشها کسب کرده و همچنین انتظار دریافت آن پاداش را داشته است (ریتزر، ۱۳۷۷). اندیشمندان دیگری نیز اعتماد را با مفهوم رهیافت‌گزینش عقلانی تحلیل می‌کنند با همین چشم‌انداز، باربر اعتماد را با انتظارات متقابل در ارتباط قرار می‌دهد (بتنیل، ۱۹۸۳، ص ۷). کلمن در رابطه اعتماد، حداقل دو طرف وجود دارد اعتماد کننده و امین؛ او فرض می‌کند که هر دو هدفمند بوده و هدف آنها تامین منافعشان است، صرف نظر از اینکه این منافع چه بوده باشد (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۱۵۴). گامبتا^۸ نیز اعتماد یا عدم اعتماد را موضوعی میداند که به وسیله آن یک کنشگر، کنش دیگر کنشگران را برآورد می‌کند، و این برآورد قبل از این است که او چنین کنشی را نظارت کند، به طوری که برآوردش مستقل از توانایی او در نظارت بر

کنش دیگران و زمینه‌ای است که آن کنش، کنش شخصی او را تحت تاثیر قرار دهد (گامبتا، ۲۰۰۰، ص ۲۱۷). از نظر زتومکا اعتماد نوعی شرط‌بندی نسبت به کنشهای احتمالی دیگر افراد در آینده است (زتومکا، ۱۹۹۹، ص ۲۵).

از چشم انداز کارکردگرایی جدید هم پاتنام و فوکویاما به نقش اعتماد در همکاری افراد جامعه اشاره می‌کنند. از نظر پاتنام^۹ وجود اعتماد کارایی جامعه را تسهیل کرده و زمینه همکاری و تعاون را فراهم می‌آورد (پاتنام و دیگران، ۱۹۹۲، ص ۱۶۷) فوکویاما نیز معتقد است اعتماد به عنوان شاخص سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند موجبات همکاری و تعاون را در میان افرادی که به هم اعتماد می‌کنند، فراهم سازد (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۰).

چارچوب نظری

در ادبیات جامعه‌شناسی، پیش‌شرط توسعه، همکاری همه جانبه تمام اقشار و نسل‌های مختلف جامعه در فرایند توسعه است، برای تحقق این امر مهم، اعتماد به نهادها یکی از ضروریات به شمار می‌رود. در شبکه روابط اعتماد سه عنصر وجود دارد: ۱- اعتماد کننده، یا کسی که به کسی یا گروهی و یا نهادی حسن ظن و یقین پیدا می‌کند. اعتماد کننده با موقعیت‌های انتسابی و یا اکتسابی است و برحسب قرارگرفتن در یک موقعیت، میزان اعتماد او تغییر پیدا می‌کند این موقعیت‌ها عبارتند از: سنی (جوان بودن یا کهنسال بودن)، جنسی (زن یا مرد بودن)، تحصیلات و غیره. ۲- مورد اعتماد، کسی یا گروهی و یا نهادی است که حسن ظن و اطمینان طرف اعتماد کننده را جلب می‌کند بنابراین در رابطه با مورد اعتماد سه موضوع اعتماد مطرح می‌شود: اعتماد بین اشخاص، اعتماد به گروه و اعتماد به نهادها ۳- فضای اعتماد که وابسته به مکانیزمها و عواملی تقویت و یا سست می‌شود. این مکانیزمها عبارتند از میزان پنهانکاری، فریب و دروغ برآوردن نشدن انتظارات متقابل و رسانه‌ها غیره. در شبکه ارتباطی، به هر میزانی که این مکانیزمها تشدید شوند فضای اعتماد شکننده‌تر می‌شود.

همچنین عناصر شبکه روابط اعتماد متناسب با بسترهای اجتماعی و فرهنگی است به طوری که در فرهنگ‌های پیش از مدرن: افراد به شبکه خویشاوندی، اجتماع محلی، باورهای مذهبی و سنت اعتماد کامل داشتند و این عوامل بود که زمینه‌های اعتماد را شکل می‌دادند در حالی که در فرهنگ‌های جدید اعتماد به اصول غیر شخصی و نظام‌های

انتزاعی مهم تلقی می شود (گیدنز، ۱۳۷۷، صص ۱۲۶-۱۲۱). به عبارتی اعتماد به نهادهای اداری، مذهبی، امنیتی و ارتباطی و... جایگزین اعتمادهای محلی و شخصی شده است در این رابطه، با توجه به تحولات برآمده از نوسازی در ایران و گذار از سنت به مدرن اعتمادهای پیشین جای خود را به طور نسبی به اعتمادهای جدید داده است.

سؤال ها و فرضیه های تحقیق

- ۱- بین دو نسل ۲۴-۱۶ ساله و ۵۴-۴۵ ساله از لحاظ میزان اعتماد به نهادها تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۲- از لحاظ میزان اعتماد به نهادها تفاوت‌های درون نسلی وجود دارد.
- ۳- تفاوت میانگین زن و مرد (در درون هر نسل) از لحاظ میزان اعتماد نسل ها معنادار است.
- ۴- تحصیلات موجب تفاوت میزان اعتماد بین نسلی می شود
- ۵- میزان استفاده از رسانه‌ها بر میزان اعتماد نسل‌ها به نهادها تأثیر دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق، پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بود. نخست پرسشنامه‌ی اولیه‌ای تهیه شد و پس از انجام مطالعه مقدماتی با نمونه ۶۰ نفری از جامعه آماری، پرسشنامه نهایی تهیه و تدوین و اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردید. پرسشنامه بر مبنای چارچوب نظری و تحقیقات انجام گرفت و مشاوره با صاحب نظران و براساس بررسی اعتبار و پایایی آن تهیه شد.

جامعه‌ی آماری

در این پژوهش برای بررسی وضعیت اعتماد به نهادها دو نسل یعنی گروه سنی ۱۶ تا ۲۴ ساله و ۴۵ تا ۵۴ ساله بعنوان گروه‌های مورد مطالعه مورد نظر می‌باشد فاصله‌ی بین این دو گروه ۲۰ سال است که هم می‌تواند مقایسه معناداری ایجاد کند و هم فاصله قابل قبولی برای تفکیک دو نسل می‌باشد. در نتیجه جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی افراد درگروه‌های سنی ۱۶ تا ۲۴ ساله و ۴۵ تا ۵۴ ساله در شهر تبریز می‌باشد. مطابق آمارنامه

۱۳۸۰ تعداد کل جمعیت واقع در این دو گروه سنی ۴۱۸۰۱۱ نفر و تعداد افراد گروه سنی ۲۴-۱۶، ۳۱۶۸۱۸ نفر و گروه سنی ۵۴-۴۵، ۱۰۱۱۹۳ نفر برآورد شده است.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. نخست شهر تبریز را به پنج منطقه جغرافیای شمال، شرق، غرب، جنوب و مرکز تقسیم سپس بطور تصادفی سه منطقه انتخاب گردد و در مرحله بعد محله‌هایی بصورت خوشه مشخص شد و سپس بطور تصادفی دو محله انتخاب و به شیوه تصادفی از افراد آن محله اطلاعات مورد نیاز جمع آوری گردید. نمونه‌ی آماری هم از دو گروه سنی ۲۴-۱۶ و ۵۴-۴۵ با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران ۳۹۴ نفر تعیین شد.

t = احتمال صحت گفتار در سطح ۹۵ درصد اطمینان آمار معادل ۱/۹۶

$S^2 = 0/265$ یا $s = 0/514$ واریانس متغیر وابسته تحقیق

d = فاصله اعتماد یا خطای نمونه‌گیری معال ۰/۰۵

$$n = \frac{t^2 \cdot S^2}{d^2} \cdot \frac{1}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 \cdot S^2}{d^2} - 1 \right)}$$

N = تعداد اعضای جامعه آماری شهر تبریز معادل ۱۳۹۸۰۶۰ نفر با

جایگزینی اطلاعات بالا حجم نمونه ۳۹۴ نفر برآورد گردید.

با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه تصادفی ساده برای گروه سنی ۲۴-۱۶ تعداد نمونه ۲۰۰ نفر و برای گروه سنی ۵۴-۴۵ ساله‌ها ۱۹۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و مطابق با جدول اعداد تصادفی، نمونه‌ها از بلوک‌ها گزینش شدند.

روایی و پایانی سؤال‌های تحقیق

برای سنجش همسازی درونی ابزار اندازه‌گیری آلفا کرونباخ استفاده شد که میزان آن بین ۰ تا ۱ است در آزمون مقدماتی و نهایی آلفای گویه‌ها برای گروه سنی ۲۴-۱۶ و ۵۴-۴۵ ساله حدود $\alpha = 0/73$ بود که نشان از اعتبار بالای ابزار سنجش بود.

تعریف مفاهیم

اعتماد اجتماعی: اعتماد اطمینان به اعتمادپذیری یک شخص و یا نظام است (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۴۲). اعتماد قابلیت اتکای افراد به نهادهای و اشخاص و یا گروه‌هاست. اعتماد به چند مقوله عمده تقسیم می‌کند که عبارت است از: مقوله‌ی اول به اعتماد بین شخصی و

یا اعتماد اجتماعی مرتبط است. اعتماد بین شخصی در برگیرنده‌ی تعهدات چهره به چهره است و بیشترین صمیمیت و نزدیکی با فرد دارد. نوع دیگر اعتماد به افراد کسانی است که با ما رابطه‌ی صمیمی ندارند ولی با تبلیغ از طریق رسانه‌ها مورد اعتماد ما واقع می‌شوند مثل؛ هنرپیشه‌ها، اشخاص معروف، قهرمانان فرهنگ عامه.

نوع دیگر افراد اجتماع کسانی هستند که بطور غیر مستقیمی با آنها در ارتباط هستیم، هم دهکده‌ای‌ها، هم شرکتی‌ها، استادان دانشگاه ما، اعضای حزب سیاسی. نوع دیگر اعتماد اعتماد به گروه‌های اجتماعی است مثل؛ تیم فوتبال که توسط تعدادی تماشاگر ارزیابی می‌شود، یا گروهی از دانشجویان که توسط یک استاد ارزیابی می‌شود. انتزاعی‌ترین نوع اعتماد، اعتماد نسبت به نهادها و سازمان‌ها است مثل اعتماد به ارتش، کلیسا، دادگستری، پلیس، بانک‌ها، دولت، مجلس.

منظور از اعتماد به نهادها و سازمانهای اداری و هنجاری، اعتماد فرد به نهادهایی است که در طول زندگی اجتماعی خود حداقل یک بار با آنها ارتباط داشته است. چند نهاد عمده‌ای که هر دو نسل با آن رودرو هست، عبارت است از: نهاد رسانه‌ای (تلویزیون و رسانه‌های داخلی و خارجی)، ادارات دولتی، روحانیت، نیروی انتظامی و پلیس. برای اندازه‌گیری اعتماد به این نهادها (به عنوان متغیر وابسته) و این که چقدر افراد به آنها تکیه می‌کنند و آنها را باور دارند ۱۶ سؤال به صورت طیف تغییر یافته لیکرت مطرح شد. (کاملاً اعتماد دارم، اغلب اعتماد دارم، تا حدی اعتماد دارم، کمی اعتماد دارم، اصلاً اعتماد ندارم).

تحصیلات: منظور دوران آموزش فرد در یکی از موسسات آموزشی است که از دوران سیکل تا عالی را در برمی‌گیرد. دوران آموزش فرد می‌تواند به ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، کارشناسی و کارشناسی بالاتر تقسیم شود.

رسانه‌های جمعی: رسانه‌های جمعی یکی از عوامل جامعه‌پذیری افراد است که نقش مهمی در آموختن و انتقال ارزشهای جامعه به افراد ایفا می‌کند. در این تحقیق ساعات استفاده از ماهواره، اینترنت، تلویزیون، مجلات، روزنامه‌ها مدنظر بود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

از ضریب رگرسیون برای تعیین تأثیر مستقل بر متغیر وابسته و از و کروسکال والیس^{۱۱} و تحلیل واریانس^{۱۱} برای آزمودن تفاوت‌های موجود در نمونه و رابطه بین متغیرها استفاده شده است و برای پیش‌بینی متغیر وابسته از متغیرهای مستقل و تعیین همبستگی‌های چندگانه بین متغیرها از رگرسیون چند متغیره استفاده گردیده است.

یافته‌های پژوهش

در گروه سنی ۲۴-۱۶ ساله ۱۰۱ مرد و ۱۰۱ زن و در گروه ۵۴-۴۵ ساله ۹۱ مرد و ۱۰۵ زن مورد مطالعه قرار گرفتند. میانگین اعتماد برای مردان گروه سنی ۲۴-۱۶ ساله ۱۳/۲ و برای زنان این گروه سنی ۱۲/۷۳ است و همچنین میزان اعتماد برای مردان گروه سنی ۵۴-۴۵ ساله ۱۸/۵ و برای زنان این رده سنی ۱۹/۷۹ است. در مقایسه میانگین دو گروه، زنان نسل ۵۴-۴۵ ساله بیشترین میانگین اعتماد را دارند.

در این تحقیق بیشترین فراوانی پاسخگویان گروه سنی ۲۴-۱۶ ساله برای تمام مولفه‌های اعتماد به نهادها تمایل به گزینه‌های «کاملاً اعتماد دارم، اغلب اعتماد دارم و تا حدودی اعتماد دارم» دارد. این در حالی است که در گروه سنی ۵۴-۴۵ ساله بیشتر فراوانی‌ها در گزینه‌های «کمی اعتماد دارم و اصلاً اعتماد ندارم» متمرکز است. و به این معنی است که پاسخگویان گروه سنی ۲۴-۱۶ ساله میزان اعتمادشان به نهادها بیشتر از گروه دیگر است.

فرضیه ی اول تحقیق: بین دو نسل ۲۴-۱۶ ساله و ۵۴-۴۵ ساله از لحاظ میزان اعتماد به نهادها تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱: میزان اعتماد به نهادها در بین نسل ۲۴-۱۶ و ۵۴-۴۵ ساله

میزان اعتماد به نهادها در بین نسل‌ها	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
واریانس برابر فرض شده	-۱۶/۸۲۹	۳۹۶	/۰۰۰
واریانس برابر فرض نشده	-۱۶/۸۴۵	۳۹۵/۲۴۶	/۰۰۰

همچنان که از جدول برمی آید در بین دو نسل ۲۴-۱۶ و ۵۴-۴۵ ساله از لحاظ میانگین اعتماد اجتماعی حداقل در سطح ۰/۹۹ و با مقدار میانگین ۱۶/۸۲۹- تفاوت معناداری وجود دارد، به عبارتی میانگین اعتماد نسل ۲۴-۱۶ بیشتر از نسل دیگر است و بر اساس

یافته‌های تحقیق چنین بر می‌آید که میزان اعتماد نسل ۲۴-۱۶ ساله بیشتر از نسل ۵۴-۴۵ ساله است.

فرضیه دوم تحقیق: از لحاظ میزان اعتماد به نهادها تفاوت‌های درون نسلی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد در درون هر نسل نیز از نظر میانگین اعتماد تفاوت‌هایی وجود دارد و پاسخگویان درون هر نسل نیز علیرغم تفاوت با نسل دیگر با هم نسل‌های خود نیز متفاوتند.

فرضیه سوم تحقیق: تفاوت میانگین زن و مرد (در درون هر نسل) از لحاظ میزان اعتماد نسل‌ها معنادار است.

مطابق با یافته میزان اعتماد به نهادها در بین زنان گروه سنی ۲۴-۱۶ ساله کمتر از مردان است و در بین مردان گروه سنی ۵۴-۴۵ سال کمتر از زنان این گروه سنی است.

آزمون کروسکال والیس تفاوت میزان اعتماد به نهادها را در بین زنان و مردان گروه سنی ۲۴-۱۶ ساله نشان نمی‌دهد یعنی بین زنان و مردان در این گروه سنی از نظر میزان اعتماد تفاوت معناداری وجود ندارد طبق یافته‌ها در گروه سنی ۵۴-۴۵ ساله بین زنان و مردان از لحاظ میزان اعتماد به نهادها تفاوتها معنادار است و در این بین نتایج نشان داده که میانگین اعتماد زنان این گروه سنی بیشتر از مردان است به عبارتی زنان این گروه سنی به نهادها اعتماد بیشتری دارند.

نتایج نشان می‌دهد در دو نمونه مستقل زنان و مردان، میزان اعتماد متفاوت است به عبارتی زنان و مردان این گروه سنی از نظر اعتماد به نهادها با هم تفاوت معنادار دارند و در این بین میزان اعتماد زنان به نهادها بیشتر از مردان است.

نتایج نشان می‌دهد که در درون این نسل تفاوتی در بین زنان مردان از نظر میزان اعتماد به نهادها وجود ندارد و پاسخگویان زن و مرد اعتماد یکسانی به نهادها دارند.

فرضیه چهارم تحقیق: تحصیلات موجب تفاوت میزان اعتماد نسل‌ها می‌شود. مطابق با یافته‌ها تفاوت معناداری بین افراد تحصیل کرده و یا افراد بی سواد از نظر اعتماد وجود ندارد یعنی نگاه هر دو دسته تحصیل کرده و بی سواد به اعتماد مشابه بوده و همراه با اعتماد به نهادها است.

نتایج نشان می‌دهد که بین سطوح مختلف تحصیلی از نظر میزان اعتماد در سطح معناداری ۰/۱۱ تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول تحلیل واریانس یک طرفه که برای مقایسه میانگین میزان اعتماد به نهادهای در بین زنان و مردان با سطوح مختلف تحصیلی است، نشان می‌دهد که در بین مردان گروه سنی ۴۵-۵۴ سال از نظر میزان اعتماد به نهادهای تفاوت معنادار مشاهده نشده است و این معناداری برای زنان گروه سنی ۴۵-۵۴ سال است و گویای این واقعیت است که زنان ۴۵-۵۴ سال از نظر اعتماد با همدیگر متفاوتند.

جدول مقایسه‌ی چندگانه که برای سطوح تحصیلی زنان و میزان اعتماد است نشان می‌دهد که تفاوت‌های واقعی در بین زنان با تحصیلات متوسطه با بی‌سوادها در سطح معناداری ۰/۴۰ و متوسطه با ابتدایی در سطح معناداری ۰/۰۷ است به عبارتی زنانی که با سطح تحصیلی متوسطه هستند در مقایسه با زنان با تحصیلات ابتدایی و بی‌سوادها، کمتر به نهادهای اعتماد دارند.

فرضیه‌ی پنجم تحقیق: میزان استفاده از رسانه‌ها بر میزان اعتماد نسل‌ها به نهادهای تأثیر دارد.

نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه ساعات استفاده از اینترنت و ماهواره در بین نسل ۲۴-۱۶ ساله‌ها با سطح معناداری ۰/۱۴ و ۰/۱۲ بر میزان اعتماد به نهادهای در این گروه تأثیر دارد و تأثیرات استفاده از این رسانه‌ها منفی است به عبارتی هر چه میزان استفاده از اینترنت و ماهواره کمتر باشد میزان اعتماد به نهادهای بیشتر است.

با رجوع به تجزیه و تحلیل رگرسیون برای نسل ۴۵-۵۴ ساله‌ها مشاهده می‌شود که میزان استفاده از ماهواره با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و بیشترین بتا (۱/۴۷) بر میزان اعتماد به نهادهای تأثیر دارد ولی رسانه‌های دیگر بر میزان اعتماد این گروه تأثیرات معناداری ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دو نسل ۴۵-۵۴ و ۲۴-۱۶ ساله از لحاظ میزان اعتماد به نهادهای با همدیگر تفاوت بین نسلی و همچنین تفاوت درون نسلی دارند به عبارتی تعلق به دو نسل متفاوت و داشتن تجربه‌های زندگی متفاوت یک چشم انداز متفاوتی را برای

دو نسل به همراه دارد. در جامعه شناسی نسلی هم اندیشمندان بر این امر تأکید دارند. بنابراین واقعیت تعلق داشتن به یک طبقه و یک نسل و یا یک گروه سنی و به افراد متعلق به این مقولات، موقعیت مشترکی در فراگرد تاریخی و اجتماعی می‌دهد، پهنه‌ی تجربه بالقوه آنها را به یک صورت خاصی محدود می‌سازد و آن را به شیوه‌ی فکری و تجربه خاص و یک نوع واکنش تاریخی ویژه این موقعیت متمایل می‌سازد (کوزر، ۱۳۷۳، ص ۵۶۹). بر اساس همین اندیشه، نسل ۵۴-۴۵ ساله‌ها که متولدین سالهای ۴۰-۳۱ را در برمی‌گیرد، تجربه‌ی حکومت استبدادی و فرهنگ خودکامگی را دارند. در چنین حکومت‌هایی میزان اعتماد به نهادهایی که متولی آنها دولت است، بیشتر است. تاریخ ایران نشان داده است که بی‌اعتمادی، ترس، خودسانسوری جزو فرهنگ ایرانی بوده است که بر همه‌ی امور خصوصی و عمومی و بر شیوه‌ی تعلیم و تربیت افراد جامعه مستولی گشته است. (میری، ۱۳۸۰، ص ۷۷) در نظامهای قبلی چون همه‌ی حقوق اساساً در انحصار دولت بود، همه‌ی وظایف نیز اساساً بر عهده دولت قرار می‌گرفت و برعکس چون مردم اصولاً حقی نداشتند وظیفه‌ای در برابر دولت برای خود قائل نبودند و دولت را از خود نمی‌دانستند (کاتوزیان، ۱۳۷۲، صص ۸-۷) بنابر این فضای اعتماد سست بود و افرادی که تجربه زندگی چنین دوره‌ای را دارند، متفاوت با نسل‌های دیگر هستند. از طرف دیگر میزان اعتماد این نسل نسبت به نسل جوانان یا ۲۴-۱۶ ساله‌ها کمتر است. و نتیجه تحقیق کاشی نشان داده که نسل ۵۴-۴۵ ساله اعتماد تعمیم یافته شان بیشتر از نسل ۱۶-۲۴ ساله‌هاست بعبارتی؛ نسل انقلاب و جنگ (متولدین ۴۱-۳۱) بیش از سایرین به روابط اجتماعی بیرون از خانواده اعتماد می‌کنند (کاشی، ۱۳۸۲). تحقیقی دیگر نشان داده است که اعتماد با سن پاسخگویان رابطه معناداری دارد (کوثری، ۱۳۷۵). این در حالی که در مطالعه‌ی حاضر نتیجه نشان داده که میزان اعتماد به نهادهای در این نسل کمتر است، دلیل پایین بودن اعتماد این نسل را علیرغم تجربه ساختارهای استبدادی قبل از انقلاب، می‌توان در تحولات درونی جامعه که منجر به تغییر پایه‌های اعتماد شده است، جستجو کرد. پایه‌ی اعتماد اجتماعی در دوره‌ی قبل از اسلام، فره ایزدی بوده است، پایه اعتماد اجتماعی در دوره‌ی اسلامی، سنت دینی و آداب و رسوم مذهبی بوده است. در دوره‌ی صفویه تا انقلاب اسلامی، عامل اعتماد، سنت دینی و آداب و رسوم و شعایر مذهب شیعه، به همراه اعتقاد و باور به فره شاهان صفوی بوده است، پس از انقلاب اسلامی، بار دیگر پایه‌های اعتماد مبتنی بر سنت تقویت شد و

این پایه‌ها به همراه پایه‌های مبتنی بر قانونمندی و عقلانیت (با به تصویب رسیدن قانون اساسی جدید در ایران پس از انقلاب) و پایه‌های کاریزماتیک، مجموعاً منجر به اعتماد، وفاق و انسجام اجتماعی شدند (بشیریه، ۱۳۷۸، صص ۱۰۸-۱۰۲). بنابراین همین تفکر، نسل اول انقلاب به خاطر وجود رهبری کاریزماتیک در ایران اعتماد شدیدی به نهادها داشتند ولی بعد از تغییرات در پایه اعتماد از کاریزماتیک به سنت و قانون از یک طرف و استفاده بیشتر از رسانه‌های خارجی از طرف دیگر، میزان اعتماد در بین این نسل کمتر شده است. البته در بین زنان و مردان این نسل نیز تفاوتی از نظر میزان اعتماد وجود دارد. به طوری که میزان اعتماد زنان به خصوص زنان بی‌سواد و با تحصیلات ابتدایی به نهادها، بیشتر از مردان و زنان با تحصیلات بالاتر است. یافته‌های تحقیقات انجام گرفته مثل تحقیق امیر کافی نشان می‌دهد میزان اعتماد اجتماعی در بین مردان بیش از زنان بوده است. تحصیلات افراد نیز با اعتماد اجتماعی رابطه منفی دارد (امیر کافی، ۱۳۷۵). این در حالی است در تحقیق حاضر میزان اعتماد اجتماعی زنان گروه سنی ۵۴-۴۵ سال بیشتر از مردان این گروه سنی است و نتیجه تحقیق به تفکیک زن و مرد و همچنین با معیار قرار دادن عامل جنس و تحصیلات به این امر اشاره دارد. در زنان و مردان گروه سنی ۲۴-۱۶ ساله تفاوتی در میزان اعتماد به نهادها وجود ندارد. افراد این گروه فراتر از تجربه جنسیتی خود به یکسان در معرض پدیده‌های اجتماعی قرار می‌گیرند نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت‌گذار افراد نیست. در جامعه‌ی معاصر دختر و پسر هر دو سیستم آموزشی مشغول به تحصیل می‌شوند، عرصه فعالیت‌های اجتماعی برای هر دو گروه جنسی دختر و پسر فراهم است، هر دو به دنبال اشتغال هستند و از طرف دیگر این گروه سنی چون ارتباط کمتری با نهادها ندارند، انتظارات برآورد نشده‌ی آنها از نهادها هم کمتر است و همچنین جوانان به علت نگرش‌های متعلق به دوره‌ی جدید که در فرایند جامعه‌پذیری از رسانه‌ها و مدرسه کسب می‌کنند بیشتر به نهادها تکیه می‌کنند نه به خانواده و نظام‌های خویشاوندی. به همین خاطر میزان اعتمادشان به نهادها بیشتر است. ولی در ۵۴-۴۵ ساله‌ها مرد اکثر اوقات روز در محیط بیرون از خانه مشغول به کار است و اکثر کارهای اداری و غیره جزو نقش‌های مردان این گروه سنی است. بنابراین مردان در برخورد با نهادها انتظارات‌شان تأمین نمی‌شود و دلزدگی از نهادها برایشان پیش می‌آید. چون این نسل براساس ایدئولوژی انقلابی، نگاه آرمانی به نهادها و عملکردها آنها در جامعه دارند. همچنین به خاطر درحال

گذار بودن جامعه، مردان به جای اعتماد به نهادهای جدید بیشتر به اجتماعات محلی، خویشاوندی و باورهای مذهبی خود رجوع می‌کنند. ولی در همین نسل زنان بی‌سواد و ابتدایی که ارتباط کمتری با نهادها دارند میزان اعتمادشان بالاست. زنان در جامعه جدید اطمینان به این دارند که نهادها می‌تواند در صورت بروز مشکلاتی برای اعتماد کننده‌ی آنها را رفع کنند زمینه‌ای برای همکاری با نهادها در بین اعتمادکنندگان فراهم می‌آورد. در تحلیل نهایی می‌توان گفت: که زنان این گروه سنی و مردان و زنان گروه سنی ۱۶-۲۴ ساله اعتماد بنیادی قوی دارند یا آن چنانچه گیدنز اشاره می‌کند از امنیت هستی شناختی^{۱۲} برخوردارند که یک پدیده شناختی نیست بلکه پدیده‌ای احساسی است که ریشه در ناخودآگاه انسانی دارد (گیدنز، ۱۳۷۷).

همچنین مردان در گروه سنی ۵۴-۴۵ سال به علت قوه‌ی شناختی که گیدنز مطرح می‌کند از رسانه‌های تأثیر مثبت می‌گیرند بعبارتی هر چه میزان استفاده از ماهواره در این گروه بیشتر می‌شود، میزان اعتماد به نهادها هم بیشتر می‌شود در حالی که در گروه سنی ۱۶-۲۴ ساله نتیجه نشان داده است که هر چه میزان استفاده از ماهواره و اینترنت بیشتر می‌شود میزان اعتماد به نهادها کمتر می‌شود و این امر گویای احساسی است که منجر به امنیت هستی شناختی در این گروه می‌شود.

پیشنهادها

با توجه به این که اعتماد می‌تواند زمینه‌ی همکاری را برای رسیدن به اهداف توسعه‌ای جامعه فراهم کند بنابراین باید توجه وافر به حفظ و تقویت اعتماد افراد به نهادها داشت. اگر در جریان کنش متقابل بین اعتمادکننده و مورد اعتماد فاصله‌ای رخ دهد به طوری که اعتماد کننده و مورد اعتماد به همدیگر اعتماد لازم را نداشته باشند بنابراین زمینه‌ی همکاری به وجود نمی‌آید و در نتیجه توسعه هم تحقیق نمی‌پذیرد. به همین خاطر ارایه‌ی راهکارهایی برای افزایش میزان اعتماد ضروری است.

۱- یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان اعتماد به نهادها، در بین مردان نسل ۵۴-۴۵ سال کمتر است. برای ارتقای میزان اعتماد این دسته از افراد که منبع تجربه‌ی معنوی و مادی برای جامعه هستند ضروری است که آرمانها و انتظارات آنها از نهادها شناخته شود.

۲- در بین دونسل تفاوت‌هایی از لحاظ میزان اعتماد وجود داشت که البته در یک

جامعه بهنجار چنین امری طبیعی است. ولی برای این که تفاوت‌های موجود تبدیل به شکاف بین نسل‌ها نشود ضروری است که از طریق عوامل جامعه‌پذیری نسل قدیم یا ۵۴-۴۵ ساله‌ها را با نهادهای مدنی و خصوصیات جامعه‌ی جدید آشنا ساخت.

۳- در یافته‌های تحقیق زنان تحصیل کرده گروه سنی ۵۴-۴۵ ساله در مقایسه با بی‌سوادها اعتمادشان به نهادهای کمتر است. برای آسیب‌شناسی این که چرا زنان تحصیل کرده میزان اعتمادشان پایین‌تر است؟ نیاز به این است که از یک طرف؛ در فرایند آموزش و کتابهای درسی بازنگری کرد و از طرف دیگر؛ واقعیت‌هایی که یک زن تحصیل کرده در جامعه با آن روبرو است. از قبیل: میزان حل مشکل زنی که به اداره ای یا نهادی رجوع می‌کند، یا پاسخ سؤال‌هایی که از طریق یک نهاد دریافت می‌کند.

۴- نتیجه نشان داده است که هر چه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی جدید مثل ماهواره و اینترنت در گروه سنی ۲۴-۱۶ ساله بیشتر می‌شود موجب کاهش اعتماد به نهادهای در بین آنها می‌شود. با توجه به شیوع و فراگیری گسترده رسانه باید تدابیری اندیشید تا از اعتماد جوانان به نهادهای کاسته نشود. برای کاهش تأثیر ماهواره و اینترنت، تقویت شناخت این نسل و آماده سازی آنها برای رودررویی با رسانه‌ها ضروری است، به نحوی که در تماس با رسانه‌ها احساسی برخورد نکنند و همچنین سیاستگذاری کلان رسانه‌ای نیاز است تا بتواند افراد جامعه را با خدمات و عملکرد این نهادها بیشتر آشنا کند. برای دستیابی به این امر خود رسانه ای که می‌خواهد عملکرد نهادها را منعکس کند باید بتواند اعتماد افراد را جلب کند.

زیر نویس ها

1-Social Trust	2-Social Capital	3-Stompka	4-Giddens	5-Social Consensus
6-Fukuyama	7-Tonnies	8-Gambetta	9-Putname	10-Kruskal Walis Test
11-Anova	12-Ontological Security			

منابع

- ۱- امیرکافی، مهدی. (۱۳۷۵). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ی پژوهشگری علوم اجتماعی
- ۲- اینکلهارت، رونالد (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جامعه ی پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر، چاپ دوم
- ۳- اوچاقلو، سجاد. (۱۳۸۴). بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان. مجله جامعه شناسی ایران، دوره ی ششم، شماره ۴، ۹۲-۱۲۵
- ۴- بشیریه، حسین. (۱۳۷۸). جامعه مدنی و توسعه ی سیاسی در ایران. تهران: موسسه ی نشر علوم نوین. چاپ اول.
- ۵- تنهایی، ابوالحسن. (۱۳۷۴). درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی. کتاباد: نشر مرندیز. چاپ دوم.
- ۶- چلیبی، مسعود. (۱۳۷۳). جامعه شناسی نظم تهران: نشر نی. چاپ اول.
- ۷- دورکیم، امیل. (۱۳۸۱). درباره ی تقسیم کار اجتماعی. ترجمه ی باقر پرهام. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- ۸- دلیلی، تیم. (۱۳۸۷). نظریه های کلاسیک جامعه شناسی. ترجمه ی بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی. تهران: نشر نی. چاپ اول.
- ۹- راوندی، مرتضی. (۱۳۶۸). سیر قانون و دادگستری در ایران. تهران: نشر چشمه. چاپ اول.

- ۱۰- ریترز، جورج. (۱۳۷۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه ی محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی. چاپ سوم.
- ۱۱- زاپتین، ابروینگ، ام و همکاران. (۱۳۷۳). آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی. ترجمه دکتر غلامعباس توسلی. تهران: نشر قومس. چاپ اول.
- ۱۲- شولتز، دوان و آلن شولتز. (۱۳۷۷). نظریه‌های شخصیت. ترجمه ی یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر هما.
- ۱۳- عباس زاده، محمد. (۱۳۸۳). عوامل موثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان. تبریز: دانشگاه تبریز. پایان‌نامه ی کارشناسی ارشد تحقیقات اجتماعی.
- ۱۴- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه ی غلام عباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان. چاپ اول.
- ۱۵- کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۷۲). استبداد، دموکراسی و نهضت ملی. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- ۱۶- کاشی، غلامرضا. (۱۳۸۲). شکاف نسلی در ایران. نشریه ی کار و کارگر. پنجم مرداد ماه، ۳-۱.
- ۱۷- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۹). هفت ستون سیاست. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۸- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه ی اجتماعی. ترجمه ی منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. چاپ اول.
- ۱۹- کوزر، لوئیس. (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه ی محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. چاپ پنجم.
- ۲۰- کوثری، مسعود. (۱۳۷۵). بررسی تأثیر انسجام اجتماعی در میزان مشارکت روستاییان استان خراسان در فعالیت‌های عمرانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس. پایان‌نامه ی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی.
- ۲۱- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- ۲۲- محمودیان، حسین. (۱۳۷۰). بررسی میزان و علل مشارکت روستاییان و طرح‌های عمرانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس. پایان‌نامه ی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی.
- ۲۳- ملکی‌زاده، اکبر. (۱۳۷۴). بررسی نقش اعتماد متقابل مردم و حکومت در توسعه ی سیاسی. تهران: دانشگاه امام صادق. پایان‌نامه ی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی.
- ۲۴- میری، سیداحمد. (۱۳۸۰). دیباچه ای بر فرهنگ استبداد در ایران. تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- ۲۵- ویر، ماکس. (۱۳۷۱). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. ترجمه ی احمد صدارتی. تهران: نشر مرکز. چاپ سوم.

26- Bentele .(1998). Public Trust - A Normative and Social Basis of Public Relations.(www.Lu.Lv/szf/Faili/Trust.htm)

27- Gambetta . D.(2000). Can we Trust . (www.Sociology.com)

28- Sztompka P.(1999). Trust:A Sociological Theory.Cambridge: Cambridge University Press.

29- Putnam.Robert. Etal.(1992). Making democracy work: NewJersey .Princeton university prees.